موضوع: تحلیل علم نافع در قرآن و روایات در
ملیحه طالبیان / علی سروری مجد / سید محمد رضوی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۱۶۷-۱۸۰

# موضوع: تحلیل علم نافع در قرآن و روایات در جهت راهبری نهضت تولید علم

ملیحه طالبیان[۱] / علی سروری مجد[۲] / سید محمد رضوی[۳]

**چکیده:** این پژوهش به بررسی مفهوم «علم نافع» در پرتو آیات قرآن و روایات اسلامی و نقش آن در راهبری نهضت تولید علم می‌پردازد. علم نافع دانشی است که در عین پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی بشر، با هدف آفرینش انسان سازگار باشد و او را به کمال فردی و اجتماعی برساند. در مقاله حاضر نشان داده می‌شود که نهضت تولید علم تنها زمانی می‌تواند کارآمد و هویت‌ساز باشد که در محور علم نافع شکل گیرد. مقاله ضمن تحلیل مبانی نظری، به معرفی مهم‌ترین مصادیق علم نافع همچون علوم پزشکی، علوم اجتماعی و سیاسی، علوم طبیعی، معارف قرآنی و روایی و علوم عقلی پرداخته و همچنین راه‌های کسب و تقویت آن و موانع و چالش‌های پیش‌رو را بررسی می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که پیوند میان دانش نافع، جنبش نرم‌افزاری و هویت دینی جامعه می‌تواند ضامن پیشرفت علمی کشور در مسیر عدالت و معنویت باشد.

**کلیدواژگان:** علم نافع، قرآن، روایات، نهضت تولید علم، جنبش نرم‌افزاری.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱.

۱. گروه الهیات، علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
talebian.malihe@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
sorouri @rica.ac.ir و a.sorouri @iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه الهیات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Dsmrazavi@yahoo.com

**مقدمه**

دانش در اسلام از جایگاهی بی‌مانند برخوردار است. هیچ دینی همچون اسلام بر یادگیری و تعلیم تأکید نکرده و هیچ کتابی به اندازه قرآن ارزش علم و عالم را بازگو نکرده است. از همان آغاز بعثت، پیام وحی با فرمان «اقرأ» شروع شد؛ فرمانی که بیانگر رسالت انسان در جست‌وجوی دانش و حقیقت است.

تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که مسلمانان با تکیه بر همین آموزه‌های دینی توانستند در قرون میانه به قله‌های دانش و فناوری دست یابند. آثار آنان در ریاضیات، پزشکی، نجوم، فلسفه و علوم اجتماعی الهام‌بخش تمدن‌های دیگر شد. با این حال، در دوران جدید به دلایل گوناگون، از جمله استعمار و انحراف در مسیر علم، بخش زیادی از توان علمی جهان اسلام تضعیف شد.

در دهه‌های اخیر با طرح ایده «جنبش نرم‌افزاری» و «نهضت تولید علم»، بار دیگر ضرورت بازگشت به تولید دانش بومی و کارآمد در فضای علمی کشور مطرح شده است. اما پرسش اصلی این است که کدام علم باید تولید شود؟ آیا هر دانشی که محصول تحقیق باشد ارزشمند است یا تنها دانشی که سود واقعی و پایدار برای انسان داشته باشد؟ اینجاست که مفهوم «علم نافع» اهمیت پیدا می‌کند.

از طرف دیگر وقتی به سراغ آموزه‌های گزاره‌های دینی می‌رویم میبینیم که در اکثر ادیان چنین که گزینشی توصیه شده است و دین مبین اسلام بیش از بقیه به اهمیت دانش و دانش اندوزی تأکید دارد، در این زمینه نظریه‌های منحصربه فردی ارائه کرده است که متأسفانه تاکنون تجزیه و تحلیل لازم بر روی آنها صورت نگرفته است. هرچند درباره اهمیت علم و عالم و متعلم و.... بسیار گفته اند نوشته اند اما دربارهٔ علم نافع و ملاکها و مصادیق آن، حتی یک مقاله پژوهشی هم وجود ندارد تا چه رسد به کتابی جامع. آنچه در مقابل شماست تلاشی هرچند اندک برای پاسخ دادن به این پرسشهای مهم است که امروزه با توجه به جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم که ضرورت ایران اسلامی، ماست، شکوفایی دوباره‌ای یافته است و پاسخهای جدیدی مطالبه می‌کند. فی الواقع بدیع بودن

تحقیق حاضر از این جهت است که با بررسی مبانی و مصادیق علم نافع و نظرات گوناگون پیرامون چگونگی پیاده کردن آن در رابطه با نهضت تولید علم و استفاده از آن در نافع کردن علوم جدید پرداخته می‌شود.

## کلیات نظری

در کتاب العین مي گويد: علم نقيض جهل است و به خبر تو علم پيدا نكردم، يعني بر آن آگاهي نيافتم. (فراهیدی: ۱۴۰۸: ۸۵)

«علم» در لغت به معنای آگاهی و شناخت است و در فلسفه تعاریف گوناگونی یافته، از جمله: ادراک یقینی، مجموعه منظم دانسته‌ها یا باور صادق موجه. اما «علم نافع» فراتر از این تعاریف است. در روایات آمده است که پیامبر اسلام ﷺ از علم غیرنافع به خدا پناه می‌برد و برای دستیابی به علم سودمند دعا می‌کرد.

**علم نافع را می‌توان از منظرهای گوناگون تعریف کرد:**

- دانشی که با هدف آفرینش هماهنگ باشد و انسان را به خدا نزدیک کند.
- دانشی که افزون بر فرد، برای جامعه نیز سودمند باشد.
- دانشی که هم منافع دنیوی و هم آثار اخروی داشته باشد.
- دانشی که در زمان و مکان خاص پاسخگوی نیازها باشد و به بهبود زندگی انسان بینجامد.

به این ترتیب، معیار نافع بودن علم صرفاً «صحت نظری» یا «توان تکنیکی» نیست، بلکه پیوند آن با ارزش‌های الهی، اخلاقی و انسانی نیز شرط است.

## مفهوم علم نافع

علم نافع علمی است که مسیر زندگی انسان را به سمت هدف نهایی خلقت سوق دهد؛ هدفی که قرآن آن را «عبودیت» و «معرفت الهی» معرفی کرده است. بنابراین هر دانشی که انسان را از این مسیر بازدارد، اگرچه پرهیاهو و پرکاربرد به نظر برسد، در حقیقت غیرنافع یا حتی مضر خواهد بود.

علم نافع یعنی علمی که دارای کاربرد بوده و اثری در ما ایجاد کرده است اما اگر احساس عشق و حرکت و قربی پیدا نشد این علم برای ما غیر نافع خواهد بود؛ هرچند «فی نفسه» مفیدترین علمها است دقیقاً مانند خورشید که با وجود فایده‌های فراوان برای کسی که در خانه تاریکی خود را حبس کرده است.

**معیارهای تشخیص علم نافع را می‌توان چنین خلاصه کرد:**

۱. هماهنگی با توحید: دانشی که به انکار خدا یا تضعیف ایمان بینجامد، نافع نیست.

۲.کارآمدی اجتماعی: علمی که به عدالت، رفاه و امنیت جامعه کمک کند، ارزشمند است.

۳. سود اخروی: علم نافع تنها به زندگی دنیا محدود نیست، بلکه باید در آخرت نیز به نجات انسان یاری رساند.

۴. فردی و جمعی بودن: علمی که صرفاً منافع شخصی محدود داشته باشد، نافع کامل نیست؛ بلکه باید خیر عمومی در آن لحاظ شود.

۵. پایداری منفعت: علم نافع سودی پایدار و بلندمدت دارد و تنها به رفع نیاز مقطعی بسنده نمی‌کند.

## مصادیق علم نافع

### ۱. توحید و انسان‌شناسی

مهم‌ترین و بنیادی‌ترین علم نافع، شناخت خداوند و شناخت انسان است. در حدیث مشهور آمده است: «من عرف نفسه فقد عرف ربّه»؛ هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را شناخته است.

این دو شناخت، محور اصلی همه دانش‌هاست. علم نافع باید انسان را به حقیقت وجود خویش و رابطه‌اش با خالق راهنمایی کند. بنابراین فلسفه الهی، کلام اسلامی و علوم مربوط به معرفت نفس و معرفت رب از ارکان علم نافع هستند.

### ۲. معارف قرآنی و روایی

هیچ دانشی برای جامعه اسلامی سودمندتر از دانشی نیست که انسان را با وحی و سنت پیامبر و اهل‌بیت آشنا کند. علوم قرآنی، فقه، تفسیر، حدیث‌شناسی و اصول فقه از جمله علوم نقلی‌اند که هم در حوزه فردی و هم اجتماعی نقش بنیادین دارند.

این علوم علاوه بر جهت‌دهی معنوی، راهنمای سایر علوم نیز هستند؛ زیرا چارچوب ارزشی و اخلاقی لازم را برای علوم تجربی و انسانی فراهم می‌کنند.

### ۳. پزشکی و علوم سلامت

اسلام برای جسم و جان انسان ارزش ویژه قائل است. سلامتی بستر انجام تکالیف دینی و اجتماعی است. از این رو علومی چون پزشکی، پرستاری، داروسازی، علوم تغذیه و بهداشت در ردیف علوم نافع قرار دارند.

قال الباقر علیه‌السلام: «اعلم انه لاعلم کطلب السلامه ولا سلامه کسلامه القلب» (محمدی ری شهری: ۱۳۷۷:حدیث ۱۴۱۳۸). بدان که هیچ دانشی چون طلب سلامتی نیست و هیچ سلامتی ای مانند سلامت قلب نیست..

اگر منظور از سلامت قلب در این حدیث، سلامت روح و روان باشد علم اخلاق را نیز دربر می‌گیرد. به هر حال این حدیث شامل همه علوم گروه پزشکی و سلامت و شاخه‌های مربوط به آن، مثل پرستاری؛بهیاری، داروسازی و... می.شود. همچنین احادیثی که تحت عنوان طب الصادق علیه‌السلام و طب الرضا علیه‌السلام جمع آوری شده نشان دهنده تأیید این علوم از طرف اهل بیت علیهم‌السلام است.

این نشان می‌دهد که حتی بالاترین مقاصد معنوی نیز بدون سلامت جسم ممکن نیست. بنابراین توجه به علوم پزشکی، هم وظیفه‌ای انسانی و هم دینی است.

### ۴. علوم سیاسی و اجتماعی

اداره جامعه بدون شناخت ساختارها و روابط اجتماعی امکان‌پذیر نیست. قرآن کریم بارها به عدالت اجتماعی، شورا و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید کرده است. از این‌رو علومی مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت در صورت استفاده صحیح،

مصادیق علم نافع محسوب می‌شوند.

هدف این علوم باید تحقق عدالت، افزایش همبستگی اجتماعی و جلوگیری از فساد و ظلم باشد. در نگاه دینی، سیاست بدون اخلاق و معنویت نه تنها نافع نیست، بلکه مضر خواهد بود.

### ۵. زبان‌ها و ارتباطات بین‌فرهنگی

زبان ابزار فهم و انتقال معرفت و فرهنگ است. یادگیری زبان‌های خارجی نه به‌عنوان غفلت از زبان مادری، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دیگران، انتقال تجارب و ارتقای گفتگوهای علمی اهمیت دارد. زبان‌آموزی باید در خدمت تقویت دیپلماسی علمی، ترجمه متون کلیدی و دستیابی به ادبیات تخصصی قرار گیرد تا تولید علم بومی تسریع شود.

### ۶. علوم صنعتی، فناوری و مهندسی

توسعه صنایع تولیدی، فناوری اطلاعات، مهندسی برق، مکانیک، مواد و مهندسی شیمی از مصادیق روشن علم نافع هستند؛ زیرا به استقلال اقتصادی، اشتغال‌زایی و ارتقای کیفیت زندگی می‌انجامند. البته این علوم زمانی نافع‌اند که جهت‌گیری‌شان بر حل مسائل ملی و ارتقای خیر عمومی متمرکز باشد.

### ۷. علوم نظامی و امنیتی (در قلمرو دفاع مشروع)

مسائل امنیتی و دفاعی برای حفظ استقلال و آزادی جامعه ضروری‌اند. علوم مرتبط با دفاع و امنیت در صورتی نافع‌اند که مبتنی بر اخلاق جنگی، قوانین بین‌المللی و حفاظت از زندگی مردم باشند و به توسعهٔ صلح و ثبات کمک کنند.

### ۸. علوم طبیعی (زیست‌شناسی، ژنتیک، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی)

مطالعه آیات خلقت و نظام طبیعت تشویق‌کننده پژوهش در علوم طبیعی است. حوزه‌هایی همچون زیست‌پزشکی، ژنتیک، علوم محیطی و زمین‌شناسی در صورت استفاده هدفمند می‌توانند سلامت، امنیت غذایی، مدیریت منابع طبیعی و تاب‌آوری جامعه را ارتقا

دهند. بااین‌حال باید نسبت به کاربردهای دوگانه این علوم (مثلاً سوءاستفاده در جنگ زیستی یا ظلم به محیط) هوشیار بود و چارچوب اخلاقی-قانونی قوی تعریف کرد.

### ۹. علوم عقلی و فلسفه علم

ریاضیات، منطق، فلسفه علم و روش‌شناسی پژوهش، زیربنای تولید نظام‌مند دانش‌اند. این علوم به محقق کمک می‌کنند تا فرضیات را دقیق‌تر تنظیم کند، استدلال‌ها را محک بزند و از خطاهای معرفتی جلوگیری کند. در بستر توحیدی، فلسفه علم باید بازتاب‌دهنده نگرش انسان‌شناسانه و اخلاقي باشد.

## روش‌های کسب و تقویت علم نافع

تحصیل علم نافع نیازمند هم‌آوایی روش‌های بیرونیِ معرفتی و روش‌های باطنیِ تهذیبی است. در ادامه راهکارها و روش‌های عملی و ساختاری ارائه می‌شود که می‌توانند مسیر تولید و گسترش علم نافع را هموار کنند.

### راه‌های کسب علم نافع

چنانکه دیدیم به خاطر محدودیتهای سرمایه‌های انسانی، نه تنها به دنبال علم نافع باید باشیم، بلکه به دنبال علم انفع باید بود و علم حقیقت و جوهری دارد که همان نور است و سؤال اینجاست که چگونه می‌توان بهتر به آن رسید تا علوم قشری و ظاهری ما نیز نافع و بلکه انفع شود.

از طرفی نیز گفته شد که روش علوم یعنی راه‌های کسب گزاره‌های یک علم یا راههای حل مسائل یک علم شرافتی برای آن علم نیست مثلاً راه تجربی بر راه عقلی شرافت ندارد یا راه شهودی بر راه نقلی و.... این روشها در جای خود خوب و قابل استفاده اند اما به شرطی که انسان را به نور دانش برساند.

توحید محوری دارد و می‌خواهد خدا را در عرصه‌های مختلف، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی،، علمی، سیاسی نظامی و... نیز بپرستد می‌خواهد جامعه پردازی‌اش هم بر محور دین باشد نمی‌خواهد خدا را فقط در زندگی شخصی و خصوصی‌اش بشناسد و

بپرستد و در جامعه با خدا کاری نداشته.باشد می‌خواهد همه آهنگ زندگی‌اش آهنگ توحیدی شود. بنابراین اگر دین داری می‌خواهد به این حد کامل برسد، طبیعی است که باید سازوکار منطقی‌اش را نیز تولید کند؛ یعنی تولید معرفتهایی که بتواند رابطه بین انگیزه ایمان و عمل را برقرار سازد (طباطبایی: ۱۳۶۳: ۲۹۶)

ما باید این معرفتها را بر محور قرآن و سنت معصوم را علیهم‌السلام هماهنگ کنیم بدین منظور به منطق جامعی نیاز داریم که بتواند تفقه دینی و تلاش نظری و تجربی ما را در شکل اجتماعی و تحت هدایت خدای متعال و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام سازماندهی کند. اساس این نوع نگاه خاص به علم و انحصار آن در علم نافع نهضت نرم افزاری معنای واقعی مییابد و راه به سلامت و سعادت خواهد برد ان شاء الله *

این علم بومی و دینی کارآمد و روزآمد چیزی نیست جز همان علم نافع علمی که بنابر تعریف ارائه شده در فصل اول راه به سوی حقیقت و جوهر علم که همان نور است میبرد و در راستای حل مشکلات دینی و دنیوی مردم قرار دارد و لذا مفید و نافع است.

پس به تعبیر دیگر منظور از نهضت تولید علم فقط علم نافع است و لاغیر چرا که علم غیر نافع جز ضرر و زیان چیزی نداشته و باعث انحراف جنبش از مسیر اصلی خود می.شود البته چنان که میدانیم مقدمهٔ تولید علم تولید فکر است و تولید فکر با تولید مفهومهای جدید و مناسب آغاز میشود. همچنین در این راستا صرف مصرف کننده بودن قطعاً راهبردار نیست و نباید و نمی‌توان از غربیان یا شرقیان یا حتی از حوزه‌های سنتی خود فقط به مصرف تولیدات آنان بسنده کرد و بلکه باید علاوه بر دستاوردهای علمی گذشته و توجه به سابقه درخشان تمدن اسلامی دستاوردهای علمی جدیدی را متناسب با نیازهای عصر خویش دنبال کرد.

### راه‌های کسب نور دانش

چنان که گذشت مبدأ دانشهای رسمی، حس و عقل و راه به دست آوردن آنها تعلیم و تعلم است و مبدأ نور دانش قلب است. اما این دانش آموختنی نیست و راه تحصیل آن در گام نخست زایل کردن موانع و در گام دوم فراهم ساختن زمینه‌های پیدایش آن است.

نور دانش ریشه در فطرت انسان دارد و تحصیل آن به معنای فراهم ساختن شرایط شکوفایی فطرت است که در این حالت دانش خود آشکار میگردد.

امام صادق علیه‌السلام در روایت معروف عنوان بصری راه رسیدن به نور علم را رسیدن به حقیقت عبودیت و جستجوی علم با به کار بستن آن و طلب فهم از خدا می‌دانند (همو:۱۳۷۷: حدیث ۳۹۸۱) و راه آن دو چیز است یکی تصفیه، باطن و دیگری تحصیل علوم رسمی. (کلینی: بیتا: ۷۵)

ان شاء الله امام خمینی (ره) در توصیهای یکی از راههای کسب علم نافع را این گونه توضیح می‌دهند: «ای عزیز این نکته را هم بدان که به واسطه تصفیه نفوس ارتباط با مبادی عالیه قوت.گیرد اینکه جناب ربوبی - جل در کریمه مبارکه «اتقوا الله و یعلمکم الله جلاله»

تعلیم الهی را به تقوا مربوط فرموده برای این است که تقوا نفس را صفا میدهد و آن را به مقام غیب مرتبط می‌می گردد در مقابل اگر نفس به واسطه توجه به تعمیر کند و تعلیم الهی و القای رحمانی واقع خود و مأکل و مشرب خویش اشتغال به علوم پیدا کرد و غایت او غیرالهی، شد القائاتی که به او می، شود القائات شیطانی و از قبیل جهالات مرکبهای است که درد بی درمان نفوس و خار طریق آنهاست.

در هر صورت ای عزیز تو در تمام عوالم برزخ و قبر و قیامت محتاج معارف حقه الهیه و علوم حقیقیه و اخلاق حسنه و اعمال صالحه میباشی پس در هر درجه‌ای که هستی بکوش و اخلاص خود را زیاد کن و اوهام نفس و وساوس شیطان را از دل بیرون نما و یقین داشته باش که نتیجه برایت حاصل میشود و راهی به حقیقت پیدا میکنی و خداوند تبارک و تعالی از تو دستگیری میفرماید و خدا میداند که اگر ما با این علوم ضایعه باطله و این اوهام فاسده و کدورات قلبیه و اخلاق ذمیمه به آن عالم منتقل شویم چه مصیباتی در پیش داریم و این علوم و اخلاق برای ما چه ظلمتها و وحشتها و آتشهایی فراهم مینماید» (خمینی: ۱۳۸۶: ۶)

## رابطه علم نافع با نهضت تولید علم جنبش نرم افزاری

برای روشن شدن نسبت موضوع تحقیق با «جنبش نرم‌افزاری» لازم است ابتدا خودِ

جنبش و پیش‌زمینه‌های آن روشن شود و سپس نسبت آن با مفهوم «علم نافع» تحلیل گردد. اصطلاحات «نرم‌افزار» و «سخت‌افزار» که ریشه در علوم رایانه دارند، بعدها به عنوان استعاره‌ای در حوزه تمدنی به کار رفتند: سخت‌افزار نمادِ جنبه‌های عینی و ملموس تمدن است و نرم‌افزار نمادِ اندیشه، فرهنگ و دانش. از این منظر، «جنبش نرم‌افزاری» فرایندی است برای تولید نرم‌افزارِ فکری- یعنی دانش و فرهنگ- که زمینه‌ساز تجسدِ سخت‌افزارِ تمدنی (تمدن اسلامی) می‌گردد.

جنبش نرم‌افزاری مدعی است تحقق تمدن اسلامی نیازمند یک خیزش عمومی و فراگیر است، نه تلاش‌های موضعی یا محدود به نخبگان. این حرکت باید همه لایه‌های جامعه علمی- حوزه، دانشگاه و بدنه جامعه، به‌ویژه نسل جوان را درگیر سازد؛ زیرا تولید علم بومی و دینی تنها از پیوند وسیع اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و نهادها پدید می‌آید. تعریف پیشنهادیِ جنبش عبارت است از: «تحول عمومی و خیزش همگانی برای تولید علم بومی، دینی، کارآمد و روزآمد در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی».

در تجربه جمهوری اسلامی، حساسیت به نقش دانشگاه‌ها و اصلاح نظام آموزشی پس از پیروزی انقلاب مشهود شد؛ از جمله صدور فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی (۲۳ خرداد ۱۳۵۹) و تلاش برای بازسازی دروس، جهت‌گیری علوم دانشگاهی، کیفیت تدریس و منابع درسی. هرچند اقدامات اولیه گسترده ولی در عمل تحول بنیادین مورد انتظار در حوزه علوم انسانی و نظریه‌پردازی اسلامی محقق نشد. بعدها، اصطلاح «نهضت آزاداندیشی» به‌عنوان شرطی لازم برای فرایند نظریه‌پردازی مطرح شد؛ آزاداندیشی بستری است که تولید علم و تضارب آرا را ممکن می‌سازد، اما به‌تنهایی کافی نیست و باید در دل یک جنبش فراگیر قرار گیرد. تأکیدات رهبری و پیگیری‌های نهادهای حوزوی و دانشگاهی در دهه‌ها پس از انقلاب، تلاش‌هایی برای احیای این جهت‌گیری بودند که برخی نتایج و پیامدها را به همراه داشتند اما هنوز تا هدف نهایی فاصله وجود دارد.

از منظر دینی و معرفتی، دانش به دو صورت تقسیم می‌شود: نافع و غیر نافع. روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام - «لا خیر فی علمٍ لا ینفع»- شاخصِ ارزشیِ علم را نفعی آن تعیین می‌کند؛ علمی نافع است که به هویت‌سازی فرد و جامعه، رشد معنوی و عمل صالح بینجامد.

علم غیر نافع، اعم از علومِ ابزاری که به تولید سلاح‌های کشتار جمعی یا فتنه و آشوب منتهی می‌شوند، یا دانشی بی‌ثمر که موجب تشتت معرفتی است، در جهت هویت‌زدایی عمل می‌کند و شایسته تعلیم و تعلمِ ارجمند نیست.

نکته محوری این است که علم، چنان‌که در متون دینی آمده، هنگامی هویت‌ساز می‌شود که به عمل متصل باشد. امرِ علمیِ صرف که در حد کلیات بماند و به جنبهٔ عملی نرسد، مانند «عالم بی‌عمل» بی‌ثمر است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: «إذا علمتم فاعملوا و إذا تایقنتم فاقدموا»-یعنی علم باید به اقدام و عمل مبدل گردد. انگیزه علمی نیز از حیث عقل عملی اهمیت دارد؛ اندیشه هنگامی به هویت جمعی تبدیل می‌شود که با انگیزه‌ای عاقلانه همراه باشد و محصول این تعامل در زیر ساختار زندگی اجتماعی سازمان یابد.

این پیوند علم-انگیزه-عمل به «حیات طیّب» می‌انجامد، چنان‌که قرآن وعده داده است: ﴿مَن عَمِلَ صَالحًا وَ هُوَ مؤمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياتًا طَيِّبَةً﴾ (نحل/۹۷). علامه طباطبایی تأکید کرده که مراد آیه بخشیدنِ زندگی‌ای نوین و پاکیزه به اهل عمل و ایمان است، نه صرف بهبود دنیا به معنای مادی. در این چهارچوب، علم نافع وسیله‌ای برای خروج انسان از «مرگ معرفتی» و ورود او به زندگی معقول و پاکیزه است.

در تقابل با این نگرش، علوم تجربیِ امروز که غالباً بر حس و تجربه و چارچوب‌های فلسفه‌های مادی و سکولار استوارند، به‌تنهایی قادر به تولید هویت جمعی نیستند. چنین علومِ ابزاری و پراکنده‌ای اگر در سایهٔ فلسفه‌های مادی سازمان یابند، به وحدت معرفتی نمی‌رسند و جامعه را در حالت «کثرتِ محض» و هرج‌ومرج قرار می‌دهند- وضعی که قرآن آن را «مریج» خوانده است: ﴿فَهُم فِي اَمْرٍ مَريج﴾ (ق/۵). از این‌رو، یکی از دغدغه‌های جنبش نرم‌افزاری، بازسازی پیوند میان رشته‌ها و استقرار یک منظرِ توحیدی و عقلانی است تا علوم مختلف حولِ یک منطقِ واحد خدمت کنند و از بریده‌بریده شدنِ دانش جلوگیری شود.

در مجموع، جنبش نرم‌افزاری ضرورت تاریخیِ تولید علم بومی و دینی را مطرح می‌سازد؛ حرکتی که هم ناظر بر تحول

ساختاری دانشگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی است و هم تقویت فضایی برای آزاداندیشی و نقد نظری تا تولید علمِ نافع تحقق یابد. تحقق این هدف مستلزم همسوییِ اندیشه،

انگیزه، عمل و مؤسسات اجتماعی است تا علمِ تولیدشده نه فقط در ساحت نظری بلکه در عرصه عمل، هویت‌ساز و زمینه‌سازِ حیات طیّب و تمدن نوین اسلامی گردد.

## چالش‌های پیش‌روی نهضت تولید علم

### موانع و چالش‌ها

**موانع داخلی:**

- تقلید از فرهنگ غرب، ضعف اعتماد به نفس و خودباختگی.
- جدایی علم و دین و غلبه نگاه پوزیتیویستی در دانشگاه‌ها.
- ضعف امید به آینده، نبود امنیت و منزلت اجتماعی برای نخبگان.
- کم‌رنگ بودن تهذیب اخلاقی و معنوی در محیط‌های علمی.
- ناکارآمدی نظام اداری، جدایی دانشگاه از صنعت و سیاست.
- نبود انجمن‌ها و تشکل‌های علمی اسلامی منسجم.
- فرار مغزها، خلا قوانین و نبود الگوی روشن برای جامعه اسلامی.
- کیفیت پایین نظام آموزشی و گسترش کمی و بی‌رویه دانشگاه‌ها.

**موانع خارجی**

۱.انحصار علمی و فناوری‌های راهبردی: کشورهای پیشرفته دسترسی کشورهای دیگر را محدود می‌کنند.

۲.کاربردهای دوگانه علوم: سوءاستفاده سیاسی از فناوری‌های هسته‌ای، زیستی و نظامی.

۳.شکاف جهانی دانش: سرعت بالای تحقیقات در غرب و عقب‌ماندگی نسبی کشورهای اسلامی.

۴.فشارهای بین‌المللی: تحریم‌ها و تهدیدها که روند انتقال دانش و فناوری را دشوار می‌سازد.

**راهکارها و پیشنهادها**

برای رفع این موانع و پیشبرد نهضت تولید علم در مسیر علم نافع، راهکارهای زیر ضروری

است:

۱. کرسی‌های آزاداندیشی و مناظره علمی: ایجاد فضاهای آزاد برای تضارب آرا و نظریه‌پردازی.

۲. روش‌شناسی بومی علم: تدوین الگوهای پژوهشی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی.

۳. همکاری حوزه و دانشگاه: وحدت در تولید علم دینی و انسانی و پرهیز از موازی‌کاری.

۴. تقویت نظام آموزش و پژوهش مسأله‌محور: تمرکز بر مسائل واقعی جامعه در حوزه‌های بهداشت، کشاورزی، انرژی و فناوری.

۵. ایجاد نهادهای حمایتی: پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و مؤسسات واسط دانشگاه و صنعت.

۶. نظام پاداش مبتنی بر نفع اجتماعی: معیار ارتقای استادان و پژوهشگران بر اساس تأثیر اجتماعی و حل مشکلات کشور.

۷. تربیت نیروی انسانی متعهد: پیوند دانش رسمی با تهذیب نفس و اخلاق پژوهش.

۸. فرهنگ‌سازی عمومی: ترویج ارزش‌های علم نافع در مدارس، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی.

## نتیجه‌گیری

با توجه به موارد مطرح شده در این تحقیق اینگونه می‌توان نتیجه گیری کرد که هر علمی که در راستای شناخت خداوند و صفات او و همچنین شناخت وظایف دنیوی و اخروی که از طریق قران و سنت بر عهده انسان گذاشته شده است، می‌تواند به عنوان علم نافع شناخته شود. همچنان پیامبر گرامی اسلام فرموده اند «هر که خود را شناخت خدایش را شناخته بعد از آن بر تو باد به تحصیل دانشی که عمل جز با آن درست نباشد و آن اخلاص است.» از دیدگاه این حدیث هر حدیثی که در راستای شناخت خداوند باشد و منجر به اخلاص و بندگی شود می‌تواند از مصادیق علم نافع باشد.

همچنین در قرآن آمده است: که خدا به پیامبر ﷺ فرمود: «قل رب زدنی علما» (طه: ۱۱۴) و منظور از علم را خود قرآن توضیح داده است، «فاعلم انه لا اله الا الله» (محمد (۱۹) که

همان علم توحید است و در احادیث مکرری نیز آمده که برترین خرد، شناخت آدمی از خویشتن است.

راه‌های کسب علم نافع در توحید محوری خلاصه می‌شود شخصی که به دنبال آن است می‌خواهد خدا را در عرصه‌های مختلف، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی،، علمی، سیاسی نظامی و... نیز بپرستد. بنابراین بایستی جامعه پردازی‌اش هم بر محور دین باشد هماهنگ ساختن علوم مختلف بر محور قرآن و سنت معصوم از جمله مواردی است بایستی بر اساس منطق آن علم و اتصال آن به علوم توحیدی صورت بپذیرد و تفقه دینی و تلاش نظری و تجربی را در شکل اجتماعی و تحت هدایت خدای متعال و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام سازماندهی شود.

این علم بومی و دینی کارآمد و روزآمد چیزی نیست جز همان علم نافع علمی که بنابر تعریف ارائه شده در فصل اول راه به سوی حقیقت و جوهر علم که همان نور است میبرد و در راستای حل مشکلات دینی و دنیوی مردم قرار دارد و لذا مفید و نافع است.

## منابع


آمدی، عبدالواحد ۱۳۶۰، **غرر الحکم و دررالکلم تهران**، دانشگاه تهران

جوادی آملی، عبدالله ۱۳۷۵ الف، **رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه**، قم، نشر اسراء.

خمینی روح الله، ۱۳۸۴ **جهاد اکبر**: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

خمینی روح الله، ۱۳۸۶ **چهل حدیث**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء

دهباشی، مهدی، ۱۳۶۳ **فلسفه علم**، اصفهان، : کتابفروشی پیمان

شریف، رضی محمد بن حسین **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، لقمان، ۱۳۷۹.

صدوق، علی بن بابویه قمی، **امالی** الصدوق: بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ق.

صدوق، علی بن بابویه قمی، **الخصال**، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ق.

**طباطبایی محمد حسین في التفسیر القرآن**، ترجمه محمد باقر۱۳۶۳، المیزان

فرامرز، قراملکی، احد ۱۳۸۵ **روش شناسی مطالعات**، دینی، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی

قمی، شیخ عباس **مفاتیح الجنان** ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، دانش، ۱۳۸۴: ۴۵۶

کلینی محمدبن، یعقوب **اصول کافی**، تهران: علمیه اسلامیه [ بیتا ]

محمدی ری شهری، محمد ۱۳۷۷، میزان الحکمه قم، دار الحدیث.

محمدی ری، شهری، محمد ۱۳۷۹، علم و حکمت در قرآن و حدیث، قم، الحدیث.